

بندگی



نیم‌نگاهی به زندگی و اوج بندگی
هنرمند شهید محمد علی معصومیان

مصیب معصومیان

انتشارات شهید کاظمی



غواص دریا دل

پیشینه: معصومیان، مصیب، ۱۳۴۷- | **عنوان و نام پدیدآور:** غواص دریادل: نیم‌نگاهی به زندگی و اوج بندگی هنرمند شهید محمدعلی معصومیان / مصیب معصومیان. | **مشخصات نشر:** قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۸. | **مشخصات ظاهری:** ۲۱۶ ص:، مصور (بخشی رنگی). | **قلمرو:** ۵/۲۱۵۵/۱۴. | **فروست:** اوج بندگی، ۱۹. | **شابک:** ۹-۴۱-۸۸۵۷-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۱۹۸۸-۱۹۸۸. | **وضعیت فهرست نویسی:** فیبا | **عنوان دیگر:** نیم‌نگاهی به زندگی و اوج بندگی هنرمند شهید محمدعلی معصومیان. | **موضوع:** معصومیان، محمدعلی، ۱۳۴۴-۱۳۶۵. | **موضوع:** جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷. | **شهادت:** -- سرگذشتنامه | **موضوع:** Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸. | **Biography -- Martyrs -- Wills** | **موضوع:** جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷. | **شهادت:** -- وصیت‌نامه‌ها | **موضوع:** Iran-Iraq War، ۱۹۸۰-۱۹۸۸. | **Wills -- Martyrs -- Martyrs** | **موضوع:** -- بازماندگان -- خاطرات | **موضوع:** Iran -- Survivors -- Martyrs | **Diaries** | **رده بندی کنگره:** ۷۱۳۹۸ DSK۶۳۶ | **رده بندی دیویی:** ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲ | **شماره کتابشناسی ملی:** ۵۶۲۶۵۰۲

به کوشش: مصیب معصومیان | **قیمت:** ۲۰۰۰ تومان
نویت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۸ | **نشر:** شهید کاظمی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه | **شابک:** ۹-۴۱-۸۸۵۷-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۱۹۸۸-۱۹۸۸
آماده سازی: مؤسسه شهید کاظمی
مدیریت هنری: گروه هنری هشت پرا صفحه را و طراحی گرافیک: علی سلمان زاده

تمامی حقوق برای نشر شهید کاظمی محفوظ است

دفتر مرکزی نشر و پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران
طبقه اول، فروشگاه ۱۳۱ شماره تماس: ۶-۳۷۸۴۰۸۴۴-۲۵
www.manvaketab.ir سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۱۴۱۴۴۱



i.instagram.com/nashre-shahidkazemi



telegram.me/nashreshahidkazemi

شهادت و اوج بندگی در کلام حضرت امام خمینی قدس سره	۹
شهادت و لشکر ۲۵ کربلا در کلام حضرت امام خامنه‌ای حفظه الله	۱۱
زیر چتر آیات	۱۳
اشاره	۱۵
زندگی نامه هنرمند شهید محمدعلی معصومیان	۱۷
شهید محمدعلی معصومیان به روایت خودش	۱۹
غیرت ما زندگانی ها	۲۳

فصل اول: خاطرات

نقش مشیت	۳۹	چشمی که خون گریه می کرد!	۲۷
معلم اول	۴۰	بر بلندای مناره ها	۲۸
فرماندهی بچه های محل	۴۲	شنا در دریا	۲۹
مثل آب روی آتش	۴۴	زنگ جنگ	۳۰
گل بهار	۴۵	مشق شب	۳۱
زیرسقف مهربانی	۴۶	از کودکی بزرگ بود	۳۲
صبح علی الطلوع	۴۷	هدیه برای خانم معلم	۳۳
سخن بزرگان	۴۸	گاو سرگردان	۳۴
جمعه های بدون تو!	۴۹	امتحان نهایی	۳۵
مدام در حال مطالعه	۵۰	بر منبر هنر	۳۷
چند سطر یادگاری	۵۱	خان های بی انصاف	۳۸

۸۴ در تالار آینه‌ها
۸۵ چشم به راه
۸۶ آب و چند برگ گل محمدی
۸۷ برایمان بستنی خرید
۸۸ باید زمین بخوریم تا بزرگ شویم
۸۹ در سنگر کمین
۹۰ پرواز با بال‌های محمد علی
۹۱ دسته غواص‌ها
۹۵ تحصیلات ایشون چیه؟
۹۶ عملیات صاحب‌الزمان
۹۹ بدنم چند متر به بالا پرتاپ شد
۱۰۰ بعید است فعلاً به حوزه برگردم
۱۰۱ نغمه اذان را در گوش پسر
۱۰۲ عجب صفایی داره
۱۰۴ دیشب زهره‌م از ترس آب شد!
۱۰۵ در محضر خدا
۱۰۶ مرد میدان
۱۰۷ سربند سرخی
۱۰۸ رفتن یا نرفتن
۱۱۰ چند پرنده صحرایی
۱۱۱ یک سیخ کباب
۱۱۲ و ماچی لبیکم
۱۱۳ عطرسیب
۱۱۶ جان برار! بلند قد دارنی، بلند بازو
۱۱۸ شهید آینده گردان رو می‌گی؟!
۱۲۰ شروع کرد به خندیدن
۱۲۱ از محمد علی عکس گرفتم
۱۲۲ تثبیت خط فاو

به دست آوردن پول راحت
۵۳ نردبانی به سوی خدا
۵۴ زدم زیر گریه
۵۵ وقتی پلک‌هایش را بست
۵۷ آن دو خیلی مهربان‌اند
۵۹ هم‌سنگری با صفا
۶۰ لباس زنانه
۶۱ دوئل با سنگ
۶۳ کار ناتمام
۶۴ آشتی آشتی
۶۵ سک وحشی شد
۶۶ دل‌تنگی‌های ده نفره
۶۷ ردپای مهر
۶۸ سکوت محمد علی
۶۹ سیلی در وقت اذان
۷۰ برنامه ریزی
۷۲ دایی خنده‌اش می‌گرفت
۷۳ همیشه خندان و جذاب
۷۴ الفبایی که او به من یاد داد!
۷۵ یک دیگ پراز خنده!
۷۶ شب‌های سرد قله
۷۷ میانبر
۷۸ سپید، مثل برف
۷۹ سنگ صبور
۸۰ داشتم کتک می‌خوردم
۸۱ آفتاب ظهر خوزستان
۸۲ منطقه جفیر
۸۳ اسلحه و کتاب

۱۷۰.....	محمدعلی اما ایستاد.....
۱۷۱.....	او را کشتند، مرا اسیر کردند!
۱۷۸.....	آتش به جان پسرانم
۱۸۰.....	دخترهای غریب و آشنا.....
۱۸۲.....	«محمدعلی یا مصیب؟!».....
۱۸۴.....	پلاک بهشت

فصل دوم: وصیتنامه

۱۹۱.....	فرازهایی از وصیتنامه هنرمند شهید محمدعلی معصومیان
----------	---

فصل سوم: اسناد و تصاویر

۱۹۶.....	تصاویری از دوران نوجوانی
۲۰۰.....	تصاویر دوران مبارزه و جنگ
۲۱۰.....	دست نوشته ها، اسناد و آثار

۱۲۳.....	آتش عقبه آرپی جی
۱۲۴.....	محمدعلی پوتین به پا کرده
۱۲۶.....	احمد، جواد هم رفت!
۱۲۷.....	خوش بوتر از تو کو؟
۱۲۸.....	مثل شکوفه بهاری
۱۲۹.....	مثل نگین در وسط جمع
۱۳۰.....	آغوشش بوی وداع آخر را می داد!
۱۳۱.....	کتاب تعبیر خواب ابن سیرین
۱۳۲.....	به خاطر فرمانده گریه می کنم!
۱۳۳.....	دارم کتاب می نویسم!
۱۳۴.....	آزمایش الهی
۱۳۵.....	سوسوی فانوس
۱۳۷.....	بیرون در ماندم
۱۳۹.....	مرد چاقوبه دست
۱۴۰.....	همه دردهام از بین می ره
۱۴۱.....	باران می بارید
۱۴۲.....	مثلث عاشقی
۱۴۴.....	نهر «ابو قفل»
۱۴۶.....	دعای پدر
۱۴۷.....	مرگ در بستر
۱۴۹.....	نگاهش به شیشه عسلم افتاد
۱۵۲.....	شب حنا بندان
۱۵۳.....	وداع اول
۱۵۳.....	هفت روز قبل از شهادت که به قلم محمدعلی نوشته شد
۱۵۷.....	غواص کربلای ۴
۱۶۷.....	کنار پل ام الرصاص
۱۶۸.....	نبرد پنجه در پنجه و تن به تن

شهادت در راه خدا مسئله‌ای نیست که بشود با شکست یا پیروزی در
صحنه‌های نبرد مقایسه شود، مقام شهادت خود، اوج بندگی و سیر و سلوک در
عالم معنویت است.^۱

